

## ظرفیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی اربعین و آسیب‌شناسی آن

### گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی میرزایی\*

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی میرزایی متولد ۱۳۵۰ می‌باشند. ایشان در سال ۱۳۶۷ وارد حوزه علمی قم و سپس تحصیلاتشان را در مقاطع مختلف حوزوی ادامه دادند و از محضر آیات عظام و علمای اعلام بهره بردند. ایشان مدیر و مؤسس حوزه اهل‌البيت (علیهم‌السلام) و مرکز ثقلین در کشور نیجریه در سال ۱۳۷۳ به مدت ۴ سال؛ همچنین مدیر حوزه علمیة الرسول الاكرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و الزهراء (علیها‌السلام) و سردبیری مجله علمی پژوهشی الحیاة الطیبیة در لبنان از ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۵؛ و نیز مدیر مرکز تحقیقاتی تمدنی الحضارة در لبنان از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ بوده‌اند و هم‌اکنون عضو هیئت علمی و رئیس اندیشکده جامعه المصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌باشند. وی در سال ۱۳۹۶ از دانشگاه ادیان و مذاهب، موفق به اخذ مدرک دکتری مذاهب کلامی شدند، علاوه بر این، موفق به تألیف ده کتاب و یک صد مقاله به زبان عربی و فارسی بوده که کتاب مرجعية القرآن المعرفیة به زبان عربی و فرهنگ اصطلاحات معاصر (عربی به فارسی) از جمله آثار ایشان است.

**مجله پاسخ:** در خدمت دکتر میرزایی، استاد دانشگاه، محقق و تحلیل‌گر مسائل فرهنگی هستیم. موضوع گفتگوی ما زیارت و پیاده روی اربعین است. ضمن خوش آمدگویی خدمت جنابعالی، از اینکه وقت خود را در اختیار مجله پاسخ گذاشته‌اید سپاسگزارم. در آغاز گفت‌وگو به منظور سیر منطقی بحث از این پرسش شروع می‌کنم که اصل زیارت در فرهنگ اسلامی چه جایگاهی دارد؟ آیا می‌توان ریشه این رفتار فرهنگی را در متون دینی و سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، امامان (علیهم‌السلام) و صحابه یافت؟

\*. دکتری مذاهب کلامی و عضو هیئت علمی جامعه المصطفی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ tamaddon.islamy@gmail.com



♦ اگر مسئله اهمیت شبهه‌های جریان‌های سلفی و وهابی و نفوذ این شبهات در میان شیعیان نبود، شاید چنین پرسشی را اصلاً مطرح نمی‌کردیم. در ابتدا لازم است به چند نکته تأکید کنیم. اولاً خود زیارت یک بار معنوی و روحی و تأثیرگذار در مایه‌های اخلاقی زائر دارد. این اختصاصی به زیارت ائمه علیهم‌السلام ندارد شما هر انسان والایی را زیارت کنید، از نظر روحی و معنوی دست خالی بر نمی‌گردید. هم‌نشینی با اولیاء خدا در هر سطح باشد، نتیجه بخش است و انسان، احساس سرمستی و شادی و انبساط روحی می‌کند. این نیاز به استدلال ندارد و روشن و مبرهن است. وقتی که ما صحبت از زیارت اولیای الهی و انبیاء و بزرگان می‌کنیم، به طریق اولی عمیق‌تر و ماندگارتر و تأثیرگذارتر است. در طول تاریخ قبور بزرگان، محل زیارت بوده اگر از قبر خود پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شروع بکنید می‌بینید که اهل بیت علیهم‌السلام و حضرت فاطمه علیها‌السلام و حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام و دیگران چگونه قبر حضرت را زیارت می‌کردند؛ قبر یک خاصیتی دارد، مخصوصاً قبور اولیاءالله و در آن عتبه بزرگان دین و ائمه دین، که محل تجلی نور الهی و حضور ملائکه مقرب خدا می‌باشد؛ حتی قبور اهالی مردم و خاندان و رفتگان آنها نیز محل رفت و آمد و زیارت بوده است و این حضور و دیدار با اهل قبور در طول تاریخ مستمراً اتفاق افتاده است. منتهی غالب زیارت قبور در بین مؤمنان، به خاطر ارسال ثواب سوره فاتحه بوده و کمتر با انگیزه برکات بوده است. به معنای دقیق کلمه اولیاءالله، وسائل الهی برای قرب بودند، یعنی مصداق‌های اکمل ﴿وَأْتَعُوهُمُ الْوَسِيلَةَ﴾ (مائده: ۳۵) می‌باشند. این‌ها به‌عنوان دروازه‌ها و مداخل اصلی نزول برکات الهی‌اند. در نتیجه یک خصوصیتی در زیارت قبور بزرگان و ائمه علیهم‌السلام مشاهده می‌شود. بنابراین اصل زیارت، در ارتباط با روح و جان انسان‌ها، فلسفه‌های متعدد دارد؛ از جمله عهد و میثاقی که انسان به نوعی مدام در سایه این زیارت‌ها وضعیت خود را بازبینی می‌کند. البته این صورت مطلوب زیارت است و اینگونه نیست که هر کسی که زیارت می‌کند با این نگاه و رویکرد زیارت بکند. خیلی از اشخاص زیارت را از روی عادت و احساس انجام می‌دهند هرچند این هم بد نیست اما فلسفه زیارت نیست. لذا اگر گاهی به فلسفه زیارت داشته باشیم، زیارت نوعی تلاقی روحی و معرفتی با مزار و با



کسی که به دیدار و زیارتش می‌رویم، است. زیارت، به معنی نقطهٔ عالی و افق دور در بصیرت انسان است. شما وقتی از اسوهٔ حسنهٔ که در قرآن کریم، از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اسوه تعبیر شده، زیارت می‌کنید. ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (احزاب: ۲۱) از آن نمونهٔ عالی که قرار است مستقیماً قبلهٔ عملی در زندگی شما باشد زیارت می‌کنی. به تعبیری تو فردای خودت را زیارت می‌کنی! مسیر رو به آینده‌تان را زیارت می‌کنی! ما قرار است حسینی زندگی کنیم و به سمت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، زندگی بکنیم. نقطهٔ اوج حرکت جهادی ما همین نقطه‌ای است که زیارتش می‌کنیم. این یک نوع نگاه آینده‌نگرانه و دور اندیشانه است و یک تفسیر وجودی از زیارت است و وقتی انسان زیارت می‌کند دنبال تجارت نیست. خط سیر طبیعی زندگی خودش را سیر می‌کند، انگار نقشه‌ای در پیش روی اوست و به آن سمت حرکت می‌کند؛ یعنی ای اباعبدالله عَلَيْهِ السَّلَام من می‌خواهم، پا جای پایي که شما گذاشتید بگذارم و در مسیری پا بگذارم که شما حرکت کردید! به گونه‌ای برائت جویی کنم، ولایت‌گری کنم و ولایت بپذیرم و ولایت را مبنا قرار بدهم که شما حرکت کردید! و حرب و سلم برای تو باشد و به خاطر شما و در راه شما و معطوف به ارادهٔ شما، زندگی کنم! بچنگم و کارزار کنم و با سبک زندگی حسینی، مسالمت کنم و سفیر و رسول صلح و آرامش و منطق و عقلانیت و انسانیت و آزادی باشم. همهٔ این‌ها، در زیارت وجود دارد. یعنی وقتی به زیارت اربعین می‌روید یا هر وقت و هر زیارتی، ما همهٔ این‌ها را باید داشته باشیم. البته این‌ها و هزاران برابر این حرف‌ها چیزهایی نیست که همه داشته باشند. باید کتاب نوشت و ادبیات‌های کودکانه و عامیانه و متخصصانه تولید کرد. البته این موارد که ذکر می‌کنیم، عناوین کلی و سر فصل‌های فلسفه‌های زیارت است. بُعد دیگر آن، اجتماعی - سیاسی است. در زیارت، چه در اربعین و غیر اربعین فرقی نمی‌کند، اما این بُعد و اراده نیز پشت همهٔ تأکیدات در زیارت بوده است، که جامعهٔ حق‌مدار، چه شیعه و چه غیر شیعه - چون واقعاً غیر شیعه، هم می‌توانند در این جامعه جا بگیرند - جامعهٔ طرفدار حق و الهی و جامعهٔ صراط‌المستقیم، باید نقطهٔ کانونی داشته باشند؛ یعنی این اجتماعیت، الهی تشکیل می‌شود. الان هیچ گاه در زیارت اربعین، مسئلهٔ اصلی ما این



نیست که ما و شما با هم باشیم. مسئله اصلی امام حسین علیه السلام و این منطبق است؛ لکن این با هم بودن و این اجتماعیت و این تشکل کلان بشری شکل می‌گیرد؛ حال در هر سطحی که می‌توانیم از سطح یک کاروان خانوادگی همراه هم و به سمت امام حسین علیه السلام حرکت کردن را شروع کنیم، تا یک حرکت جهانی و امت و تمدن.

نکته دیگر اینکه، زیارت از قدیم، اصلش ثابت شده است. تاریخ زیارت‌های بزرگان اسلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و از ائمه علیهم السلام را نقل می‌کند، منتهی نکته کلیدی که وجود دارد، این است که ما بدون توجه به شرائط ائمه علیهم السلام، نباید سیره ائمه علیهم السلام را خوانش کنیم؛ یعنی اگر از ائمه علیهم السلام اخباری را دال بر پیاده روی یا زیارت در اربعین در دسترس نیست این دلیل نیست که این کار را نمی‌کردند. به دو دلیل نباید به دنبال انبوه متن روایی بود؛ به دو دلیل اساسی: دلیل اول این هست که ما باید اینقدر متوجه باشیم، وقتی که ائمه علیهم السلام جامعه بشری را به یک امر خیری دعوت می‌کنند، خودشان در آن امر پیشرو هستند؛ یعنی امکان ندارد که ائمه خودشان به شیعیان بگویند که به زیارت امام حسین علیه السلام بروید با این همه ثواب و این عظمت که خدای متعال این حادثه را برای جبرئیل و جبرئیل برای آدم تا خاتم فرموده است. اهل سنت این روایات را از امه سلمه نقل کردند، چنین حادثه‌ای که فرازمان و مکان و کاملاً ملکوتی است، یک وقت امام به همه می‌گوید این کار را انجام دهید، به طور حتم خودشان این کار را می‌کند. بنابراین نباید فراموش کنیم که ائمه علیهم السلام ما را به یک عظمتی فراخواندند. دلیل دوم، شرایط خاص، پیچیده و امنیتی و قهر و اختناق آمیز دوران اموی و عباسی است. شما می‌دانید که جریان امویت نیاز به تحلیل ندارد و روشن است که نمی‌گذاشت جریان امام حسین علیه السلام و زیارت ایشان، در آن شرایط به صورت علنی انجام شود؛ ولی ائمه علیهم السلام، قبور همدیگر را می‌شناختند و می‌دانستند. مثلاً قبر حضرت فاطمه علیها السلام برای ما مخفی است؛ لکن قطعاً امام می‌بیند و سر قبر حضرت می‌رود، ولی به روشی که باعث تحریک و به هم‌ریختگی وضعیت اجتماعی، سیاسی و امنیتی خودشان نشود. در تقیه همه چیز در یک منطبق خاص خودش قرار می‌گیرد، زندگی تقیه‌مند یا تقیه‌ای، یک سبک زندگی خاصی می‌باشد. این مسئله مهم است که ائمه علیهم السلام ما این کارها را می‌کردند. در دوران اموی شرایط روشن است و در دوران



عباسی، نیز معروف است که بارها، قبر ابا عبدالله علیه السلام را چه کینه ورزانه و چه توطئه‌گرایانه، به آب بستند و می‌خواستند نابود کنند، گاهی سال‌ها کسی نمی‌دانست که قبر حضرت کجاست؛ البته خود ائمه علیهم السلام می‌دانستند. در نتیجه شرایط ائمه علیهم السلام مانند دوران ما نبوده که براحتی سر قبر امام حسین علیه السلام برویم و زیارت کنیم. ما باید یک مقداری در جستجوی روایات، ملتفت این خصوصیت‌ها و شرایط باشیم. اما زیارت ابا عبدالله علیه السلام خاص است؛ یعنی هیچ زیارتی مثل زیارت ابا عبدالله علیه السلام اینگونه تأکید نشده است.

**مجله پاسخ:** می‌خواهم یک مقدار به خود بحث اربعین بپردازیم. به اصطلاح اصل زیارت که چنانکه فرمودید در روایات ما و سیره عموم مسلمان‌ها بوده و الان هم اهل سنت به قبور پیشوایان خود می‌روند و چیزی نیست که بشود آن را انکار کرد. جز وهابی‌ها، که آن‌ها با یک مشی عملی و نظری خاصی به این قضیه نگاه می‌کنند. آنچه که در دوران ما مهم است این نکته است که بحث زیارت اربعین و پیاده روی اربعین، یک شکوه و جلوه خاصی پیدا کرده است. ظاهراً در گذشته بین عراقی‌ها هم زیارت اربعین بوده؛ اما نه به این شکل و با این هیبت و این جلوه‌ای که در سال‌های اخیر اتفاق افتاد و در اکثر نقاط جهان می‌آیند و در این پیاده روی شرکت می‌کنند و شرایط جدیدی را ایجاد کرده‌اند. لذا سوالات و شبهاتی هم که در برخی رسانه‌ها بویژه رسانه‌های اهل سنت در شبکه‌های ماهواره‌ای وجود دارد که به ابعاد مختلف این مسئله توجه کردند و نکاتی را مطرح کردند که جای تأمل دارد. اولین بحث این است که این واژه اربعین از کجا پیدا شده است؟ و می‌گویند که این واژه اربعین به‌عنوان یک نماد زبانی، به اصطلاح، یک امر جعلی است و هیچ ریشه دینی و فرهنگی ندارد و این شکل، ساخته تاریخی است. حالا چه کسی این را ساخته و بعد شیوع پیدا کرده است، باز نکته دیگری است. می‌خواستیم بدانیم که این واژه اربعین آیا تبار فرهنگی دارد یا در اسلام و در فرهنگ شیعی ریشه دارد و اگر هست کارکردهای نظری و عملی این نماد چیست؟ می‌توانیم این جریان را استناد به قرآن و روایت بدهیم و بعد بگوییم که در نزد امامان ما و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روی این واژه اربعین و عدد اربعین توجه داشتند و در آن سری وجود داشته است یا نه؟

♦ بدون تردید، مسئله نمادین با مسئله اسرار داشتن متفاوت است. نمادین یک بحث فرمیک است؛ یعنی شکلی و سوری. لکن مسئله اسرار اینگونه نیست. اسرار لایه‌های



پنهان و تأثیرگذار است. علماء، در خصوص اعداد و مخصوصاً عدد اربعین و عدد هفت زیاد تحلیل کردند، شما مطمئن باشید که اربعین و عدد چهل، یک سرّی است. انسان در ۴۰ سالگی طبق ده‌ها روایت، به یک پختگی خاصی می‌رسد. انسان در روز چهلم لیاقت این را پیدا می‌کند که محل تجلی و نفخ روح قرار بگیرد. حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام یک موعده چهل روزه دارد. در بحث‌های عرفانی، صحبت از سرّ اخلاص چهل روزه بسیار شده است. علماء همین را تعمیم دادند، آنجا که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (شیخ تاج‌الدین، محمدبن حیدر شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۹۴) این به یک مطلبی به نام چله نشینی تبدیل شد؛ یعنی معلوم شده که چهل در عالم معنا، اوج پختگی است. ما باید اقرار بکنیم که اطلاع از سرّ این امور و چرایی این‌ها نداریم؛ مثل حروف مقطعه قرآن که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌فرمایند: اسراری بین خدای متعال و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است؛ ولی در هر صورت اربعین تا دلتان بخواهد در متون و تراث اسلامی مصداق دارد. بی‌جهت نیست که عالمان ما و اساتید اخلاق به‌عنوان یک سنت اربعین حدیث نوشتند. مانند حضرت امام عَلَيْهِ السَّلَام و شیخ بهایی و خیلی‌های دیگر.

**مجله پاسخ:** روایتی که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا» (شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۲، ص ۳۷)، هم وجود دارد؟

♦ بله، اربعین حدیث، هم که معلوم است. اصلاً اربعین حدیث‌ها را به خاطر این می‌نویسند. به هر حال عدد اربعین و شماره اربعین، یکی از اعداد مورد توجه است. بعضی از علماء، روایاتی که به نوعی اعداد در آن به کار برده شده است را جمع‌آوری کرده‌اند، که باید مورد توجه باشد، مثلاً کسی که باید فلان کار را بکند و بهتر است پنج بار آن را انجام دهد تا به نتیجه برسد، یا اعداد هفت یا چهل یا دوازده! خلاصه اینکه اصولش اصول مستحکم و روایی، موجود است. منتهی یک نکته هم عرض کنم، ببینید ما خیلی نباید روی این اعداد توجهی بکنیم. ممکن است که این اعداد نشان دهنده سطحی از کم و کیف یک عمل باشد. معمول انسان‌ها با مرور چهل حدیث اساسی یک تحولی در آن‌ها پیدا بشود؛ یعنی ناظر به وجودشناسی و بعد انتولوژیک روحی انسان‌ها باشد که وقتی می‌گوییم انسان‌ها در چهل سالگی پخته می‌شوند، ممکن است کسی در سی سالگی پخته شود، بالاخره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در چهل سالگی

پخته نشده است. پیامبر ﷺ، در اوج‌هایی بودند که ممکن است انسان‌های عادی در چهل سالگی به او نرسند. ممکن است یک امامی در چهل سالگی عمرش به او نرسد. نمی‌شود که بگوییم او پخته نشده است. ممکن است که یک ولی‌الله‌ای در سی سالگی از دنیا برود و در اوج پختگی‌اش هم بوده، ولی فرم انسان‌های معمولی در سن چهل سالگی، بر اثر تجربه و احتکاک با مکاتب فکری اساتید و بزرگان و نهادهای آموزشی و تربیتی و... پخته می‌شوند. ممکن است یک همچنین معنایی داشته باشند. بهتر است، خیلی وارد عمق این اعداد نشویم، اما اصولش در متون ما زیاد است. برای بحث اربعین، باز ما دلیل خاص هم داریم. اما عین کلمه «زیارت اربعین» در یکی دو تا روایت داریم.

**مجله پاسخ:** گفته می‌شود که ما اگر اصل زیارت را که به عنوان چیزی که در روایات شیعه و سنی وجود دارد، بپذیریم و سیره متشرعان شیعه به این صورت بوده که چه در زمان حیات‌شان و چه در زمان ممات‌شان به زیارت اولیاء خدا می‌رفتند، اما اینکه ما یک زیارت خاص را در یک زمان خاصی و آثار خاصی برای آن زیارت در نظر بگیریم، حتماً یک پایه و اساس شرعی و دینی نیاز دارد؛ یعنی ما نمی‌توانیم بگوییم در فلان روز و فلان ساعت بروید که فلان آثار را دارد. این نیاز به مستند شرعی دارد. حالا آنچه به صورت معمول به عنوان مستند شرعی مطرح می‌شود دو تا چیز است. یکی آنچه مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار مطرح می‌کند، یعنی موضوع «تأسی به جابر بن عبدالله انصاری»، و یکی هم روایتی که مرحوم شیخ طوسی در تهذیب از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده که «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ...» که یکی زیارت اربعین است. مستند اول که شرعی نیست چون جابر بن عبدالله انصاری، معصوم نیست تا عملش حجت باشد، از طرفی روایتی که در تهذیب الاحکام نقل شده آن هم مرسل است و این مستندها چنان قوی و معتبر نیستند تا بتوان حرکت عظیمی مثل پیاده روی اربعین را براساس آن بنا نهاد. حال پرسش این است که آیا مستندات زیارت اربعین و اینکه ما این چنین حرکتی را پایه‌گذاری کنیم، مستندات دیگری هم دارد؟ آیا می‌توانیم این حرکت را به دلائل عامی که در قرآن و سنت است، مستند کنیم؟

◆ بنده با یک نگاه آسیب‌شناسانه به مسئله روایت‌خواهی برای هر کاری نگاه می‌کنم؛ یعنی این را یک آسیب می‌دانم، که بخواهیم برای هر کار خوبی، روایت خاص و





روایتی مستقیم و نه روایت عام، به آن اشاره بکند. آسیب در اینجا این است که یک نفر بخواهد به استناد روایات، کاری را انجام بدهد. اینکه چون ائمه علیهم السلام دستور داده‌اند که اربعین زیارت کنید، زیارت می‌کنیم و به استناد این باشد. به طور طبیعی شما باید ببینید، استناد شما ضعیف است و خبر، خبر واحد است و خبر واحد صحیح نیست و منابع اصلی ما نقل نکردند، در نتیجه دیگر به زیارت اربعین نرویم! ولی این طور نیست. آیا در اینکه زیارت امام حسین علیه السلام در هر زمانی که بتوان زیارت کرد، مستحب است، شکی هست یا نه؟ هیچ وقت در تمام طول سال، در تمام روزها، استحباب زیارت امام حسین علیه السلام قابل اسقاط نیست. اما شاید برای شخص شما، در شرایط خاصی، زیارت امام حسین علیه السلام حرام باشد. مثلاً من مسئول نجات جان بیماران در بیمارستان هستم کارم را رها کنم. کاری به حالات خاص نداریم؛ اما زیارت امام حسین علیه السلام عنوان مطلقش استحباب دارد و این منافی با این نیست که در بعضی از لحاظ استحباب خاص و تأکید خاص بشود. این‌ها حکم‌های واحد نیستند، مثل واجب و حلال و حرام. بنابراین ما اصل زیارت که مستحب است را یقین داریم. اگر خانوادگی با همدیگر قرار بگذاریم که ما طایفه‌ای هستیم، ایلی هستیم، صد نفریم، برادرها و عموها و عموزاده، در فلان مناسبت جعل بکنیم، بگوییم در آن مناسبت، همه در روز اربعین، به زیارت امام حسین علیه السلام برویم. هیچ اشکالی نیست. این همان «مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا» (الکافی، جلد ۵، صفحه ۹) است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود و ائمه علیهم السلام هم گفته‌اند. کسی که سنت حسنه‌ای را قانون‌گذاری و جعل کند، پس می‌شود سنت‌سازی کرد. این خیلی مهم است ما می‌توانیم درباره‌اش کتاب بنویسیم. سنت‌سازی این نیست که سنت یک چیزی باشد که نشود کاری‌اش کرد. یک لایه‌ای از سنت است که مؤمن می‌تواند، سنت بسازد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سنت ساخت. مؤمن هم می‌تواند سنت بسازد. عالمان دین هم هر کدام می‌توانند سنت بسازند. مثلاً من در یک استانی زندگی می‌کنم عرف آن منطقه را می‌دانم، مطابق عرف آن منطقه یک سنت حسنه می‌گذارم می‌گویم در روز عاشورا، همه خون بدهیم. این یک سنت حسنه است. اصلاً اختیار به ما داده شده که جعل سنت حسنه کنیم. پس این را دقت داشته باشیم که اصل زیارت در همه ایام مستحب است. اربعین یک عدد قدسی است. ما می‌توانیم





بگوییم اربعین، همه امام‌ها برویم، عیبی ندارد و کسی هم که نمی‌رود توبیخ نمی‌کنیم و یک سنت حسنه گذاشتیم. ما می‌توانیم مثلاً ما هر سال، ۷ روز بعد از شهادت فلان امام به زیارت می‌رویم، این مستحب است. شرایط ما و فرهنگ ما و عرف ما بگونه‌ای است که ما این روز را قرار دادیم. ادعا نداریم که حتماً ثواب این روز به خاطر صرف روز بیشتر است. ثواب برای زیارت است و برای اینکه با هم هستیم. این هم خود ثوابی دارد. حالا من اگر روز هفتم را به تنهایی بروم، ممکن است فقط ثواب زیارت نصیبم شود، اما اینکه روزهای دیگر را تأخیر می‌اندازم که با شما و جمعی رهسپار شویم، یک حرکت ایمانی و تکافل و تعاون علی‌الخیر می‌شود و این یک سنت حسنه اجتماعی می‌شود؛ چون خدا خیلی دوست دارد که انسان‌ها به جای اینکه تک‌تک بروند، جمعی بروند. برای همین است که بالای ده نفر نماز گزار دیگر قابلیت نرخ گذاری روی آن نیست. برای اینکه خیلی فرق دارد شما ده نفری به سمت خدا رو کنید یا تنهایی. در قرآن هم اگر دقت کنید همه‌اش صیغه جمع است. «یا ایها الناس، یا ایها الذین آمنوا، اتقوا» همه‌اش صیغه جمع است. «یا ایها الانسان» آن را هم گفته اما برای فطرت‌ها و انسان‌شناسی‌های فردی است؛ اما در بحث‌های اجتماعی خطاب‌ها همه خطاب‌های اجتماعی است. پس معلوم است در اجتماعیت ثواب و خیر برکاتی برای جامعه است. منافی است، مثل حج ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۸) این حج از تمام جهان می‌آیند، کنگره جهانی است و این یک اتفاق بزرگی است. لذا بنده در یکی از این رسانه‌ها گفتم که اربعین باز تولید کنگره حج است. شما اگر دقت کنید، امام حسین علیه السلام با شهادت خودش حج را تکمیل کرد؛ چون حج حسینی، ابراهیمی بود و در آن شرایط اجازه تحقق ابراهیمیت در آن ایام نبود. امام علیه السلام تکمیلش نمود. کربلا تتمیم الحج بود. این نبود که امام علیه السلام حج را رها کرد و به سراغ کار دیگری رفت. واقعاً امام ادامه داد؛ یعنی تتمیم حج بود. وقتی که زیارت مستحب شد، می‌آییم روی بحث اربعین. در بحث اربعین واقعیت این است که یک سنت حسنه‌ای در طول زمان توسط اولیاء دین ایجاد شده، چرا آن را بهم بزنی؟! وقتی که مراجع ما، بزرگان ما، چنین عملی را انجام می‌دادند؟



یک شواهدی هم داریم که البته آن روایاتی که اشاره داشتید به آن خیلی محدود است و روایت خیلی محکم و دارای اعتباری نیستند، ولی روایات اند، مؤیداند، اما یک سنت حسنه‌ای مبتنی بر اصل تزلزل ناپذیری تأکیدی و استحباب زیارت امام حسین علیه السلام هستند. آن اصل است و در آن خللی وارد نمی‌شود، پس اگر ما در روز اربعین هم زیارت کنیم، خللی وارد نمی‌شود، چون آن اصل است. عدد اربعین، یک عدد قدسی دارای اعتبار و اهمیت و دارای رمز و راز خودش است. رفتار عالمان دینی و عرف متشرعه در کنار هم قرار گرفته و یک سنت و عرف عالمان، مجتهدان، مراجع دین و اصحاب ائمه درست شده است و همه این‌ها را کنار هم بگذارید، یک واقعیتی است و بنده می‌توانم بگویم این یک سنت حسنه است، که جمع این‌ها باعث برکت می‌شود. نکته دیگر، اینکه برخی از ابعاد شگرف رضای خدای متعال در اجتماعیت انسان‌هاست. برخی از ثواب‌ها مثل نماز که عرض کردم؛ یعنی ده نفر می‌خواهند نماز را جماعت بخوانند، آن عظمت برای این است که ده نفر با هم‌اند؛ یعنی اگر شما به تنهایی و در اول وقت، نماز بخوانید کجا!! و اینکه ده نفری نماز بخوانید کجا!! این نشان می‌دهد که با هم بودن جامعه اسلامی، موضوعیت دارد. و اگر آسیب‌شناسانه بخواهم نگاه کنم؛ چرا ما از اسلام بعد اجتماعیت را با عظمت و با قدسیت و با اولویت نگاه نمی‌کنیم؟ چرا ما این را نمی‌دانیم که جامعه و امت اسلامی در هر حادثه‌ای که با هم حرکت جمعی داشته باشند در راستای اهداف اسلامی آن روز می‌شود یوم الله؟! امام علیه السلام که می‌گوید که ۲۲ بهمن از ایام الله است، مگر روز ۲۲ بهمن در سیره بوده یا پیامبر صلی الله علیه و آله در آن روز تظاهرات می‌کردند؟ هیچ چیز که نبوده است، اینجا درست شد. چرا امام می‌گوید که از ایام الله است؟ چون در این روز حوادث مختلفی به نفع سرنوشت بشریت رغم خورده است. از این طرف شروع کنیم. چرا ما نمی‌توانیم مستحب‌سازی کنیم؟ وقتی که می‌گوید کسی که سنت حسنه درست کند اجر فلان دارد؛ این یعنی مستحب‌سازی، چرا ما فکر می‌کنیم که مستحبات توقیفی‌اند؟ از کجا می‌گوییم؟ مستحبات ارتباط با منافع دنیوی و اخروی انسان مومن دارند. البته عنوان عمومی استحباب، همین روایت «مَنْ سَنَّ سَنَةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» است که باید یک مصداق‌های جدیدی تولید کرد. لازم نیست که حتماً روایتی

باشد، که آن روایت گفته باشد، باید روز اربعین این کار را بکنید. جامعه ایمانی می‌تواند سبک زندگی مبتنی بر کلیات و اصول مستحبات و احکام اسلامی درست کند و آن رفتار آن‌ها، مطلوبیت درگاه خداوند متعال باشد. مقام معظم رهبری راجع به ۹ دی و مناسبت‌هایی اهمیت قائلند، نه اینکه ۹ دی مهم است، چون اتفاقی مهم در آن روز افتاده است، در ۲۲ بهمن این اتفاق خاص افتاد.

استقبال ملت از حضرت امام علیه السلام استقبال از یک ولی الله، از ایام الله است. وقتی که خداوند متعال راجع به تأکید بر تکافل فرمود: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾ (مانده: ۲)؛ اصل تعاون، یک عمل مستحب می‌شود و این تعاون را اگر به صور مختلفی و موضوعات مختلفی و زمان مختلفی به آن بدهید، کنش‌های اجتماعی، کنش‌های خانوادگی پدید می‌آید. شما در خانواده‌تان و طایفه‌تان می‌گویید دوشنبه‌های آخر هر ماه، جمع می‌شویم و برای فقرا پول جمع می‌کنیم، یک کتاب دینی بخوانیم یا گذشتگان ما این کارها را می‌کردند و من هم ادامه می‌دهم. شما دنبال روایت برای این نباید باشید.

**مجله پاسخ:** این باید یک منفعت عقلانی داشته باشد و مخالف با اصول ما نباشد و بدعت در دین نشود و مخالف با یک واجب یا موافق حرامی نباشد؟

♦ بله، در بحث عاشورا، که ده روز اول محرم، اولین روز را اینگونه اسم بگذارید و آن روز فلان و یا اینکه این گونه سینه بزنید، در روایات نداریم. وقتی که حقایق دینی در داخل فرهنگ و جامعه می‌آید، صور متنوع و متعدد پیدا می‌کند. ممکن است شیعیان یک کشوری مانند آرژانتین، این روش سینه زدن ما را کنار بزنند و بگویند ما که نمی‌توانیم به سرمان بزنیم، مثلاً می‌گویند دیوانه‌اند یا نمی‌توانیم گل به بدن مان بمالیم، می‌گویند چه کار کنیم؟ آنچه که در اسلام وجود دارد، این است که برای اباعبدالله علیه السلام مراسم بگذارید و مناسبت داشته باشد و گریه کنید و اشک بریزید، ذکر مصیبت اباعبدالله علیه السلام بکنید و السلام. حال این همان هسته‌ای است که اگر شما حکیمانانه رفتار کنید و این هسته را بکارید؛ انقلاب اسلامی ایران از آن بیرون می‌آید. یک کس دیگری همین هسته را می‌کارد و چیز کوچکی بیرون می‌آید که با طوفانی این طرف و آن طرف می‌رود، این یک





هسته است، انسان یک طرف همه ماجراهای دین است. انسان یک ظرف تو خالی که کسی درونش روایت بریزد، نیست. امام علیه السلام یک روایتی می فرمایند، در جهان تحولی درست می کند و همان روایت را بنده می گویم، همان را با تکفیر و فتنه همراه می کنم، بدون اینکه حتی بدانم. مسئله اصلی این است. اربعین امام حسین علیه السلام، زیارتش که هست و اربعینش هم هست، همیشه هم هست و قید هم ندارد و حادثه خاصی است. حالا اینکه یک ملت و یا چند ملت در کنار هم، در چنین حادثه ای شرکت کنند؛ فوق العاده خوب است.

**مجله پاسخ:** حرکت راهپیمایی اربعین با ابعاد جدیدی که پیدا کرده است حقیقتاً یک حرکت بی نظیر در تاریخ اسلام و تاریخ تشیع است؛ هم برای کشور ما و هم کشور عراق و اصلاً برای جهان اسلام یک پدیده بسیار عجیب و به اصطلاح شگفت انگیز است. ما پدیده دیگر اجتماعی داریم مثل مناسک حج که از اقصی نقاط جهان مسلمانها می آیند، حالا در گذشته که خیلی کمتر، الان که شرایط خیلی بهتر شده است و ابزارهای جدید و تکنولوژی های جدید وجود دارد. نهایتاً ۳ الی ۴ میلیون نفر، گرد هم جمع می شوند و یک مناسکی را انجام می دهند و از هم جدا می شوند. ما در پیاده روی اربعین و زیارت اربعین می بینیم، قریب به ۲۰ میلیون نفر از اقصی نقاط جهان، در این حرکت و همایش شرکت می کنند. این رویداد مسلماً ابعاد جهانی و بین المللی دارد و می تواند برای کشورهای اسلامی ظرفیت های زیادی را ایجاد کند. ظرفیت های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی و ظرفیت های فرهنگی - معنوی، یک مقدار از این ظرفیت ها صحبت بفرمایید. البته هر کدام که علاقه مند بودید به صورت خاص تر و مفصل تر بپردازید. اگر هم به همه این ابعاد اشاره هایی داشته باشید که این ظرفیت ها چیست و اگر ما این ظرفیت ها را بشناسیم، برای ملت ها و دولت های اسلامی تبیین کنیم، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ چه می توان کرد تا این ظرفیت ها به سود جهان اسلام و به سود بشریت استفاده شود؟

♦ ظرفیت های اربعین دو دسته و دو مجموعه ظرفیت هستند، یک مجموعه ظرفیت های مرتبط با حادثه کربلا، امام حسین علیه السلام، عاشورا و این نهضت، در حقیقت این اربعین، یک مناسبتی برای جهان اسلام می شود که بهتر است ظرفیت های حسینی و ظرفیت های عاشورایی را شناسایی کنند. صرف نظر از این که کی هستند؟ چی هستند؟ کجا می آیند؟ چندتا هستند؟ چند میلیون اند؟ نکته در این است که باید در مناسبت



اربعین، یک کنگره جهانی نهضت امام حسین علیه السلام تأسیس کنیم. اربعین بزرگ‌ترین منبر بیانی و تبلیغی تاریخ بشریت است، تا جایی که بنده مطالعه کردم ما منبری به عظمت اربعین در تاریخ بشر نداشتیم، این چنین منبری با این تعداد از مخاطبین و شنونده و حضار سراغ ندارم، وقتی که خصائص این حضار را بیان می‌کنید، آن منحصر به فرد بودنش بیشتر جلوه می‌کند. در آن جا نه تنها بزرگ‌ترین جمعیت متراکم در یک زمان هستند؛ بلکه متنوع‌ترین جمعیت هم هستند. ممکن است یک نفر بگوید: بودایی‌ها هم در هندوستان توانستند، جمعیتی ۱۰ الی ۲۰ میلیونی را جمع کنند؛ ولی این یونیک و منحصر به فرد می‌ماند، چون این کاملاً متکثر و متنوع و جهان شمول است. در حالی که آن جهان شمول نیست. آن یک مذهب است. شاید از مذاهب داخل خود کشورشان هم نباشند، یک شاخه‌ای باشد. اگر بحث‌های سیاسی - اجتماعی و تنوع موضوع اضافه کنید، اربعین خصائصی دارد که مناسبت‌ها و جمعیت‌های دیگر هرچه قدر هم زیاد باشند، این خصائص را ندارند. ما نتوانستیم حجتی با ظرفیت‌های اربعین درست کنیم، این باعث تأسف است، باید در جهان بشریت و اسلام به عظمت و هیبت، هیچ کنگره‌ای به تأثیرگذاری حج نرسد، باید این طوری باشد ولی مانعی هست و نگذاشتند در این مجموعه، ظرفیت‌ها، جای خود را پیدا کند. این که ما چگونه باید در پرتو انسان هر زمان؛ یعنی انسانیت هر زمان، دکترین‌های انسان‌ساز و جامعه‌پرداز اباعبدالله علیه السلام را بازآفرینی کنیم، یک کار بزرگی است. آیا از یک معاصریت حسینی می‌شود حرف زد؛ یعنی از یک فهم حسین در زمان، فهم حسین برای زمان‌های متعدد و هر زمان خاص، چه کار کنیم که این ظرفیت به عنصر تغییر و تحول بنیادین انسانیت معاصر بی‌انجامد؟ بی‌تردید امام حسین علیه السلام به دنبال ارائه یک معماری و ساختن یک بنای سبک زندگی جهانی برای انسان است؛ یعنی امام حسین علیه السلام، شاهکارش این است که تمامیت توحید را در تفاسیل و در ابعاد مختلف حرکت خویش، محقق و عملی کرده است. یک نحوه زیستنی است که این جامع و شامل و کامل و فراگیر است و می‌شود به جهان گفت که امام حسین علیه السلام و منظومه ارزشی و اخلاقی و علمی حضرت یک مجموعه نجات‌بخش و به نوعی یک الاهیات‌بخش جهانی، قابل استحسان است؛ چون کلمه الاهی و رهایی‌بخش، یک اصطلاح شده، واژه پر کاربرد بوده است. در دنیا، کامل‌ترین الاهیات



رهایی بخشی ما بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام در حرکت امام حسین علیه السلام هست. امام حسین علیه السلام، رهایی بخشی می کند؛ انسان را از عقلش، هوای نفس را از جهلش و انسان را از حاکم ظالم.

**مجله پاسخ: این جزو آسیب شناسی می باشد؟**

♦ دقیقاً، البته آسیب هم نمی خواهیم بگویم چون این مراسم به نوعی نوپاست، اما اربعین به عنوان کنگره جهانی که نبوده است. زیارت های فردی بوده است؛ یعنی بزرگانی مثل آیت الله حکیم، آیت الله خویی جمع می شدند، بیست نفر، پنجاه نفر، صد نفر، به زیارت می رفتند. هدف اصلی، بعد اجتماعی نبود، بلکه معنویت فردی بود، ولی اینکه شما فکر کنید که چشم جهان را پر می کرده و تشکیل دهنده یک ظرفیت امت ساز بوده است، این طور نبوده است. اربعین نیاز به یک راهبری جهانی و راهبردی انسانی دارد. اربعین را باید از قید و بندهای گروه ها و طوائف آزاد کرد؛ یعنی همانطور که در ذیل جریان امام علی علیه السلام، مذاهب جهان اسلام، قابلیت بازسازی دارند در واقعه عاشورا نیز این چنین است؛ یعنی می شود نقشه جدیدی از مکاتب فکری در جهان اسلام و جهان بشریت ارائه کرد. تا اینجا بحث مزار و مزور بود. اما در مورد زائر، این جمعیت چند میلیونی که هرکس از یک نقطه ای از جهان، عربستان، مصر، ایران، سودان، پاکستان، از همه جا می آیند، به نوعی می توان گفت، آینه جهان اسلام نما باشد؛ یعنی می تواند طیف و وضعیت جهان اسلام را به ما نشان دهد. چرا؟ برای اینکه تبدیل به یک مناسبت واحد جهان اسلام شده است؛ یعنی پاکستانی، هندی، اروپایی، آمریکایی، لبنانی و سوری، همه در یک روز واحد در یک هفته در چند روز مشخص در این مناسبت شرکت می کنند. این دقیقاً آن لحظه اعلائی بهره گیری و استفاده کردن درست و سازنده از این مناسبت، برای جهان اسلام است. شیعه یا غیر شیعی فرقی نمی کند، چون برخی ها می خواهند ادعا کنند که این کنگره جهانی شیعه است، ولی من دوست می دارم که جریان امام حسین علیه السلام یک جریان اسلامی تعریف بشود، نه مذهبی و نه شیعی.

**مجله پاسخ: بفرمایید چه مؤلفه هایی در سخنان امام حسین علیه السلام وجود دارد که حرکت**

حسینی را بیش از هر چیز اسلامی و انسانی می نمایاند؟

♦ بله، شیعه موضع متأخر از اهل بیت علیهم السلام هستند؛ یعنی اهل بیت داخل شیعه که نمی‌شوند اما شیعه داخل در اهل بیت علیهم السلام می‌شود؛ یعنی در واقع تابع و متبوع‌اند. اهل بیت علیهم السلام ما به معنایی که ما الان می‌گوییم، شیعه که نبودند، آن‌ها ائمه المسلمین و بلکه ائمة البشريت بودند.

**مجله پاسخ:** چیزی که ما برعکس آن را تعریف می‌کنیم؟

♦ بله، ما تابع آن‌ها شدیم، ما شیعه اهل بیت علیهم السلام شدیم. حالا اهل بیت شیعه چی کسی هستند؟ شیعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، رسول الله شیعه کی است؟ شیعه خدا است. بنابراین جریان کربلا و جریان امام حسین علیه السلام، جریان نجات جهان اسلام است. خودشان فرمودند که من آمده‌ام همه را امر به معروف کنم؛ یعنی امام حسین علیه السلام امر بالمعروف و ناهی عن المنکر برای اهل سنت هم است. به آن‌ها باید بگوییم: برادران مسلمان، ما یک بزرگواری داریم، که ما و شما در نگه داشتن حرمت برایشان احترام قائل هستیم، با هم می‌گوییم سید شباب اهل‌الجنه، باهم به حرفش گوش بدهیم، چون سنی‌ها برادران و هم‌کیشان و هم‌دینان ما هستند. ما می‌گوییم این امام می‌خواهد امت را اصلاح کند. اصلاً ایشان از ما نیست، ما از او هستیم. امام حسین علیه السلام از ما نیست، از ما شیعه نیست، ما از امام حسین علیه السلام هستیم؛ زیرا ایشان پدر مشترک ماست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ» (بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۱۱)؛ آن‌ها «آب» ، پدر همه ما هستند. علی علیه السلام که تابع شیعه‌هایش نیست، اما ما ابوت آنان را پذیرفتیم. شما هم بپذیرید. این جریان امام حسین علیه السلام می‌تواند عاملی باشد برای اینکه این زوار چند میلیونی، به قول مولانا یک تکیه آینه‌ای که شکسته شده را با خودشان بیاورند، این آینه جهان اسلام را در اربعین تکمیل کنند. این طور نیست که فکر کنیم، ایرانی‌ها یا عراقی‌ها یا پاکستانی‌ها چه می‌گویند بلکه هر کشوری در جهان اسلام، برای خودش جامعه بومی دنیایی و ظرفیت‌هایی دارد که باید بعد از ظرفیت‌شناسی امام حسین علیه السلام، در سایه اربعین ظرفیت‌شناسی انسان معاصر داشته باشیم. الان شیعیان آمریکایی چند نفراند؟ چی کار می‌کنند؟ برای عرضه چه چیزی دارند؟ آنچه که ما برای جهان اسلام، بدنبال آن هستیم، اتفاقی نیست که ایرانی‌ها، به تنهایی باید ایجاد کنند بلکه این اتفاق را همه باید بوجود آورند. اگر حزب الله در لبنان نبود، بنده که تحلیل‌گر سیاسی استراتژیک





جهانی‌ام، نمی‌توانستم در این انقلاب اسلامی دوام محکمی بیاورم. ما در جهان اسلام همه با هم حرکت می‌کنیم. ما اعضای یک نظام واحد با یک پیکره واحد هستیم، ظرفیت تشیع و مسلمان امریکایی و کانادایی و اروپایی، ظرفیت‌های ساده‌ای نیست. اساساً ایرانی‌ها و عراقی‌ها بدون وساطت و میانه‌دار بودن ظرفیت‌های اسلامی شیعی اروپا، قدرت تعامل نرم با اروپا را ندارند. این‌ها پل‌های ارتباطی ادبیات ما با جهان هستند. چنانکه الان ایرانی‌ها نمی‌توانند با این عرب‌ها با جهان عرب رابطه منطقی داشته باشد، به خاطر نبود همین واسطه و استفاده نکردن از این ظرفیت‌هاست. در ایام اربعین، تمام جهان اسلام، با همه بازوها و زاویه‌ها و ضلع‌ها و منشورهایش می‌تواند خودش را نشان دهد. وقتی یک نفر می‌خواهد بفهمد در جهان اسلام چه خبر است؟ می‌گویم امسال اربعین آن‌جا برویم، تا بفهمیم از جهان اسلام چه خبر است. چون آن‌جا. گروه‌هایی بزرگ، از نقاط دور می‌آیند، که حامل پیام‌هایی، تصاویر و حامل نگرانی‌هایی هستند که در قرآن کریم فرمود: ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ (حج: ۲۸) «تا (در آنجا) بر سر منافع (دنیوی و اخروی بسیار) خود حضور یابند»، این (مَنَافِعَ لَهُمْ) باید در کربلا این اتفاق بی‌افتد. هرکسی می‌آید، اولین اتفاق برایش، شناخت وضعیت جهان اسلام است و آن خیلی اتفاق بزرگی است. بنده ادعاهایم این است که در جهان معاصر، ما همدیگر را نمی‌شناسیم و قطعاً نمی‌توانیم همدیگر را در مکه بشناسیم. ای کاش می‌شد، ولی الان نمی‌شود. چون واقعاً مکه، یک پیچ و خم‌ها و هزینه‌ها و یک استطاعت خاصی می‌خواهد و فشار جهانی بسیار زیاد است و شما باید یک حج تقیه‌ای انجام دهید. نمی‌توانید یک حج ابراهیمی انجام دهید. حج ابراهیمی نه فقط به معنای شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل؛ یعنی شما در آنجا نمی‌توانید راحت یک حرف درست با برادر مسلمان خودت بزنید و با این اتفاقات بشدت برخورد می‌کنند، به شما اجازه نمی‌دهند با رؤسای مجالس نمایندگان، پارلمان‌های کشورهای اسلامی در ایام حج یک همایش برگزار کنید، اجازه نمی‌دهند، آنجا محدودیت است. در جریان اربعین، حالا برای کسانی که صحبت از کنگره جهانی تشیع می‌کنند این کار از آن‌ها بر نمی‌آید. ولی بنده ادعایم این است که اربعین می‌تواند به‌عنوان روز و ایام ﴿لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ﴾ جهان اسلام باشد. اطلاعی





که آن‌جا بدست رسانه جهان اسلام و خیرخواه باشد و بدنبال تحقق منافع کل جهان اسلام باشد، از جمله منافع، کارکرد فلسفه‌های اصلی حج است. یعنی این خلأ را پر کند! اربعین نمی‌تواند جای حج را بگیرد، چون جایگاه خودش را دارد و این تشبیه در جهان اسلام راجع به بحث حج و اربعین هست و بنده معتقدم باید به این شبهه جواب داد. اصلاً هیچ آدم عاقلی اربعین را به‌عنوان جایگزین حج نمی‌داند. البته وقتی خدای متعال از ما خواسته، مثلاً برائت از مشرکین را انجام دهید و افرادی تا حد توان، آن دستور الهی را مانع شدند و برائت را تعطیل کردند. ما می‌توانیم در جای دیگر جاری کنیم، یکی از بهترین لحظه‌های تحققش در کنار مکه، ظهور برائت، در اینجاست. پس این یک مرحله و یک ظرفیت بزرگ در بین زائران است. البته این مدیریت طوری نباشد که درسال، از پاکستان مثلاً ۱۰۰ هزار پاکستانی یا افغانستانی بیایند. لیکن هیچ کدام از نخبگان فکری‌شان نیایند. از آن طرف ما در این مناسبت، با هماهنگی و مدیریت از بزرگان و نخبگان و شخصیت‌ها مان استفاده کنیم. مثلاً از ۱۰ هزار نخبه فکری شیعیان پاکستان هر سال ۱۰۰ نفرشان بیایند، پس این ظرفیت‌ها، نیاز به یک مدیریت استراتژیک و راهبردی کلان اربعین دارد. این مدیریت می‌تواند در ۲ مدل یا ۳ مدل انجام بگیرد که خودش یک مصاحبه مستقل است. یک مدل مدل مرجعیت دینی است؛ یعنی مراجع قم، نجف، همه کشورهای اسلامی همه یک نهاد مرجعیتی دارند، اینها در یک هماهنگی، این مناسبت را مدیریت کنند. یکی جامعه مدنی نه فقط حوزه بلکه دانشگاه شیعیان اسلام، دانشگاه جهان اسلام و جامع‌های مختلف از همه جا، این‌ها با همدیگر باید مدیریت کنند و یک مسئله مهم، بحث دولت‌هاست که واقعاً مناسبت اربعین حادثه با عظمتی است، یک حادثه عجیب و غریبی که با شراکت چند کشور، حدود ۵۰ کشورند. حالا اگر برخی اروپایی‌اند و کاری به این‌ها ندارند و صرفاً شهروندان‌شان می‌آیند اما یک سری کشورها مثل ایران، جمعیت قابل توجهی دارند که اگر دولت نبود، این ۳ میلیون، رفت و آمدشان، کشور را مختل می‌کرد. البته دولت ایران و تا حدی هم دولت عراق قویاً پشت ماجرای اربعین است. حالا به دلایل امنیتی و غیره؛ یعنی الان دو تا دولت همکاری و مدیریت می‌کنند. همین دو تا دولت تا این لحظه یک کمیته مشترک در سطح عالی وزارت خانه‌ای دولت ندارند. در حد دیدار و زیارت، تصمیم‌هایی می‌گیرند اما



هنوز ساختار پیدا نکرده‌اند. بنده فکر می‌کنم باید یک نهاد قانونی افغانستانی، پاکستانی و آذربایجانی، که یک نهاد بین‌المللی با مشارکت نهادهای دولتی، برای راهبری این اتفاق بی‌افتد. البته هر سه لایه و مدل با یک منطقی در کنار هم، تقسیم کار شود، دولت‌ها در فلان کارها، کارهای کنسولی امنیتی؛ دولت‌ها هماهنگ باشند. مبادله اطلاعات کنند. بالاخره این مسئله هم مهم است که متأسفانه در برخی، ما را به‌عنوان یک تهدید استراتژیک تلقی می‌کنند و این تهدیدها چون بسیار گسترده است، حضور دولت‌ها برای خنثی کردن این تهدیدها ضروری است. دستگاه‌های مرجعیتی ما می‌توانند وارد عناصر و عنصرهای نرم بشوند، عنصرهای فکری جهان تشیع، همیشه عراقی یا ایرانی بوده است. این فرق دارد تا اینکه یک دفعه همه باهم باشند و همه فرهنگ خاص خودشان را داشته باشند و همه نسبت به فرهنگ خودشان تعصب داشته باشند و همه نسبت به فرهنگ دیگری دافعه داشته باشند؛ یعنی این خیلی مهم است که چکار کنیم، اربعین آرام به سمت برخورد با انحرافات برود.

**مجله پاسخ: این بحث مدیریتی یک نیاز شناختی است؟**

♦ بله، در حقیقت این حادثه چون خیلی بزرگ است و اگر مدیریت مناسب با این ظرفیت را نداشته باشیم، از دست می‌دهیم. شما می‌دانید مثلاً بنده با ۱۰ نفر کار می‌کنم، یک دفعه به هر دلیلی این ۱۰ نفر، ۱۰۰ هزار نفر شدند. این می‌تواند هم فرصت شود و هم تهدید، هرچه ظرفیت بیشتر شود، امکان لغزش و ریزش هم هست. پس باید یک مدیریت قوی صورت پذیرد. آن مدیریت در سه لایه، لایه مرجعیت، لایه جامعه مدنی اسلامی؛ یعنی امت و لایه دولت؛ که با یک تقسیم کاری می‌توانند این ظرفیت‌ها را مدیریت کنند.

**مجله پاسخ: یعنی اینکه یک ستاد عالی این ظرفیت‌ها را مدیریت و شکوفا کند؟**

♦ بله، یک ستاد بین‌المللی که مدیریت ظرفیت‌ها، چالش‌ها و تهدیدها را انجام دهد. پس این‌ها ظرفیت‌های مناسبی هستند که تا حد زیادی به عناصری برمی‌گردد که یکی عنصر دین است، که خیلی مهم است. برای هیچ کاری نمی‌توانید این مقدار جمعیت بیاورید، برای هیچ کاری! شما همین ایران، برای مقدس‌ترین مناسبت‌ها و مهم‌ترین مناسبت‌های انقلاب هم نمی‌توانید این جمعیت را بیاورید. این همان اتفاق

مبارکی هست که بودن این‌ها باعث می‌شود، اختلافات مان را حل کنیم، با یکدیگر صحبت کنیم و این عنصر دین و ایدئولوژی و عنصر ایمان است.

**مجله پاسخ:** همین طور صمیمیت و گفت‌وگو برای رفع کدورت‌ها و شناخت مشترکات بین گروه‌ها و افرادی که به نوعی نگرش و باورهای متفاوتی دارند؛ اینجا ایجاد می‌شود؟ چون مشاهده می‌کنیم، هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران، از آن طرف طلبه‌ها و دانشجویان و اصناف مختلف، اصول‌گرا و اصلاح طلب، از طیف‌های مختلف، گاهی خیلی هم متضاد و متفاوت هستند، اینجا یک اشتراکاتی میان خودشان پیدا می‌کنند؟

♦ دقیقاً، در واقع جریان امام حسین علیه السلام، یک مغناطیسی است که همه را جذب می‌کند ولی این‌ها را به طرف خودش، جذب می‌کند، نه به طرف همدیگر، ولی وقتی به طرف او می‌رویم، همدیگر را می‌بینیم مثلاً یک اصلاح‌گرا و با یک شخصی که در کشور خودشان با هم فاصله دارند در اینجا - چون امام حسین علیه السلام است - با هم می‌روند. اتفاق‌های بزرگی می‌افتد. لذا این شعار (الحسین علیه السلام یجمعنا) که جهانی شده، شعار ساده‌ای نیست؛ این جمله (الحسین علیه السلام یجمعنا) یک سرّی است؛ یعنی اگر نبود این ماجرای امام حسین علیه السلام، شاید بعد از جنگ ۸ ساله ایران و عراق درگیر می‌شدند. همین الان که داریم مصاحبه می‌کنیم، شرائط عراق در کینه‌ورزی علیه ایران به اوج‌ترین نقطه رسیده است، ولی جریان امام حسین علیه السلام و اربعین یک ظرفیتی است برای اینکه از درگیری و فتنه و هدر رفتن امکانات و فرصت‌های جهان اسلام جلوگیری می‌کند. یک ظرفیت وحدت‌بخشی و انسجام‌آفرینی و از خود گذشتگی وجود دارد؛ یعنی شما در این صحنه‌ها، بعد اخلاق و تعالی را می‌بینید و از خود و رفتارتان خجالت می‌کشید، حتی ظرفیت شما را بالا می‌برد. یک عراقی با آن وضع، از خود گذشتگی نشان می‌دهد. یک سال تمام با تلاش و کوشش بدنبال این است که بتواند در ایام اربعین ده تا جعبه پرتقال یا چند گونی نخود یا فالافل درست کند؛ به دست زائر بدهد. این‌ها اتفاق‌های تعالی‌بخش و انسجام‌آفرین و نزدیک‌کننده قلب‌های فاصله و دور افتاده است. این ظرفیت‌های بسیار گسترده‌ای است که در مورد بحث‌های سیاسی - اجتماعی می‌تواند، اتفاق بیفتد. به نظر بنده در جریان سیاست و جامعه، اتفاقی مهم‌تر از وجود مبانی نظری مشترک یا ایدئولوژی مشترک و حضور





اجتماعی و مردمی نداریم. در جریان کربلا، به راحتی این فرصت را پیدا می‌کنید که فلسفه‌های بنیادین، مفهوم «امت»، مفهوم «انقلاب»، مفهوم «ولایت»، را بیان کنید بدون اینکه بخواهید به صورت مصداق‌های ایرانی‌اش یا با الفاظ بومی ایرانی حرف بزنید. به تعبیر قرآن، در این جریان باید یک تعالی پیدا کنند، به سمت یک کلمه سواء که فرمود **﴿تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ﴾** (آل عمران: ۶۴)، این تعالوا یعنی بیاید بالا، همه شما، همه مجبورند به هم نزدیک شوند ولی این نزدیک شدن است که صعود هم داخلش است؛ یعنی می‌رسند به یک نقطه‌ای، که نه نقطه چپ است، نه راست. یک نقطه متعالی است. این یک وحدت تعالی بخش و تعالی محور قرآنی است که در اربعین شاهد آن هستیم. مردمی که بایستی از خصوصیت‌هایشان، فرهنگ‌هایشان، رسم و رسوم‌شان، کوتاه بیایند. البته در بحث سیاسی - اجتماعی، وجود یک جمعیت جهانی، بزرگترین فرصت خنثی‌سازی شبهه‌ها و شیطنت‌ها و دروغ‌هایی است که تخریب‌کننده رسانه‌های جهانی هم هست. الان افراد و شبکه‌هایی، در همین عراق، ماهواره‌های عراقی خارجی، مستقله، حره، که صبح تا شب، به دنبال این هستند که دین جوانان را تضعیف کنند. ممکن است نسبت به من آخوند بدبین باشند اما ارادت جوانان عراقی و ایرانی به امام حسین **علیه السلام** چطور؟ آیا کم شده است؟ خیلی بعید است. در جریان اربعین یک دفعه ۳ میلیون نفر می‌آیند و اکثراً هم جوان و نوجوان‌اند. یک آقای می‌گفت در عربستان آنقدر کشته می‌شود، در اینجا فلان! بنده گفتم برای اینکه این‌ها ماشاالله یک نسل جوان، البته پیرها هم می‌رود ولی بالاخره جوان‌اند، اغلب سرحال‌اند. این کنگره با عظمت و با هیبت نشان دهنده این است که مردم نسبت به اباعبدالله **علیه السلام**، ارادت دارند و این ارادت در حال افزایش و رشد هست. لذا شعارها و شبهه پراکنی‌ها علیه جمهوری اسلامی و ولایت که آن را به مردم نسبت می‌دهند، خنثی می‌شود. البته ما نمی‌خواهیم ظرفیت اربعین را در پاسخگویی به دشمن بدانیم بلکه برای سیراب نمودن افراد تشنه حق و حقیقت می‌باشد. این جریان اربعین است، که مسئله امام حسین **علیه السلام** را جهان شمول می‌کند؛ یعنی صدای یا حسین **علیه السلام**، در همه عالم در این ایام به گوش می‌رسد. قبل از ایام



اربعین به ندرت مردم در سراسر دنیا از این ماجرا خبر داشتند. این هم یک ظرفیت بزرگ است و آخرین ظرفیتی که بنده، به‌عنوان نمونه، اشاره می‌کنم، مسئله مدیریت جهان تشیع است. جهان تشیع، یک جهان متکثر، متنوع و پرچالش است. الان در جهان تشیع، شیعیان پاکستان با آسیب‌های تعریف شده‌ی روبه‌رو هستند، شیعیان در اروپا یک وضعیت خاصی، شیعیان در بحرین و عربستان سعودی، وضعیت بسیار خاص‌تر، در سوریه، لبنان، یمن، عراق؛ یعنی پر از مشکلات و تهدیدها و در یک شرایط بسیار بحرانی پیچیده و خطرناک مواجه‌اند. اربعین می‌تواند به یک مناسبتی برای هم‌اندیشی‌های تخصصی و ارتباطات بسیار گسترده بین نخبگان سیاسی و فرهنگی و علمی و امنیتی باشد. این‌ها بتوانند همدیگر را ببینند، درباره‌ی وضعیت‌های تشیع، در جاهای مختلف هم‌اندیشی کنند. احتمال اینکه بتوان به شیعیان پاکستان کمک نمود تا از این وضعیت بحرانی خارج بشوند، بسیار بالا است. شیعیان لبنان می‌توانند به الان تشیع در ایران کمک کنند. این اشتباه است که فکر کنیم که ما فقط کمک کننده هستیم و انقلاب ما، یک انقلاب صمد(بی‌نیاز) است؛ یعنی اینکه همه به ما نیاز دارند و ما به هیچ کس نیاز نداریم.

**مجله پاسخ:** برای اینکه سیر منطقی حفظ شود، سوالی را مطرح کنم. شبهاتی که خیلی مطرح می‌شود این است که اربعین به یک عاملی برای واگرایی در جهان اسلام تبدیل می‌شود، چون به هر شکل امام حسین علیه السلام، نماد شیعه‌گری است و حج و پیامبر صلی الله علیه و آله نماد اسلام است و اهل سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را خیلی بزرگ و برجسته می‌کنند، بعد شیعیان امام حسین علیه السلام را خیلی بزرگ کردند. و این می‌تواند زمینه واگرایی بسیار شدیدی را در زمانی که جهان اسلام به اتحاد و به هم‌گرایی خیلی مهمی نیاز دارد، ایجاد کند! من می‌خواهم بدانم واقعاً چنین زمینه‌هایی وجود دارد؟ آیا اربعین ممکن است به این سمت برود؟ و تبدیل به یک حرکت واگرا بشود؟ یا اینکه این یک شبهه است، یک شایعه است و در اربعین چنین ظرفیتی وجود ندارد؛ بلکه ظرفیت اربعین برای هم‌گرایی بین فرقه‌ها و مذاهب جهان اسلام و کلیت جهان اسلام است؟

♦ وضعیت اربعین و نقش‌هایی که اربعین ایفاء می‌کند، تابعی از روح حاکم بر مرجعیت‌های فعلی شیعه است. پس اربعین، تابعی است. اربعین به نوعی مناسبتی است که از اندیشه‌ها و تفکرات ما، مصرف می‌کند. شما اگر بتوانید جریان امام حسین علیه السلام،



را از یک جریان مذهب محور به یک جریان دین محور و اسلام محور و در مرحله سوم، انسان محور تبدیل کنید. حالا بحث جهان اسلام را مطرح می‌کنیم اگر بتوانید به مسلمانی بگویید امام حسین علیه السلام، اساساً برای دفاع از یک مذهب نیامد، اصلاً برای امام حسین علیه السلام، مذهب مطرح نبود. امام حسین علیه السلام امام المسلمین بود. الان ما سنی نداریم که بگوید امام حسن علیه السلام، امام نبود. همه آنها می‌گویند که امام حسن علیه السلام، امام بود و با معاویه صلح کرد و باعث صلح و صفا شد. از مسلمان‌ها، کسی امام حسن علیه السلام، را شیعه نمی‌داند. امام علی علیه السلام را هم همین‌طور.

**مجله پاسخ: الان وهابیون، شبهاتی را دامن می‌زنند که این باور را ایجاد کنند تا بگویند اصلاً شیعه ربطی به اهل بیت علیهم السلام ندارد!**

♦ دقیقاً، آن‌ها به نوعی می‌خواهند جریان اهل بیت علیهم السلام را به نفع خودشان، صادره کنند. در ماجرای امام علی علیه السلام هم همین‌طور است. این اشتباه است که کسی فکر کند که امام علی علیه السلام مال شیعه هست. امام وقتی که خلیفه کل مسلمان‌هاست، چرا باید او را امام اقلیت بدانیم. وقتی که ایشان امام اکثریت است، باید قبول کنیم، اگر شیعیان بتوانند امام حسین علیه السلام را که چهره واقعی امت است نه امام یک مذهب و چهره نجات‌بخش انسان و زمین و زمان است و در مرحله بعد محدودتر، نجات‌بخش امت اسلامی است. فلسفه خروج اباعبدالله علیه السلام اصلاح دین پیامبر صلی الله علیه و آله و دین امت پیامبر و اصلاح حال امت پیغمبر بود. اگر این تثبیت شود، اربعین می‌تواند محل التقاء و محل تلاقی باشد. بنده، یک مقایسه‌ای می‌خواهم بکنم. اباعبدالله علیه السلام، جایگاهش را در پروژه مقاومت، با جایگاهش در جریان‌هایی که از شیعه، فقط اسمش را برده‌اند، مقایسه کنید. در یک جا، عامل فتنه و تفرقه و لعن و اینها تبیین می‌شود و در یک جای دیگر، با لیبیک یا حسین علیه السلام، زمین‌های کشورهای اشغال شده را آزاد می‌کنند. جوامع مستضعف را نجات می‌دهند. کانونی‌ترین مسئله برای دفاع از اطلاق اسلامی، جریان امام حسین علیه السلام بود. طبق نص حضرت امام رحمته الله، امام حسین علیه السلام کانونی‌ترین عنوان برای پیروزی‌های جریان مقاومت بود. شما شهدای مدافع حرم و شهدای حزب الله و مقاومت را ببینید، محور امام حسین علیه السلام است. پس اینگونه نیست که چون حسینی و کربلایی و اربعین است ضرورتاً این ظرفیت واگرایی داشته باشد، نه اتفاقاً



این ظرفیت ظرفیت هم‌گرا است. منتهی به خاطر برخی، تعصب‌ها نتوانستیم. در واقع اربعین، مدلش و محتوایش همین گونه است. اخیراً آقای سیدحسن نصرالله، دستور داده که در حج، هیچ کس حق ندارد، پرچم حزب الله را بالا بگیرد. و این خیلی اتفاق مبارکی است، چنانچه که هیچ کس نباید پرچم ایران را بلند کند مگر برای راهنمایی. آنجا قرار است امت باشد. همه باهم است. آنجا پرچم لا اله الا الله و پرچم توحید است. ما اینجا می‌خواهیم بگوییم امت هستیم، چرا می‌خواهید دولت‌ها را بررسی کنید. جلوی هر کدام یک نماد بگذارید، که مردم بدانند این مال ایران است و این مال پاکستان. علتش این است که وقتی شما این کار را بکنید، او هم می‌خواهد پرچم امل را بالا بیاورد و او هم می‌خواهد پرچم شیرازی را بالا بیاورد، پرچم سرخی و پرچم حیدری را بالا بیاورد. هر که می‌خواهد پرچمی را بلند کند. شما باید یک علم داشته باشید و همه تحت آن باشید و آن علم در اربعین، یا حسین علیه السلام است. پس این به دست ماست، اینکه در واقع شبهه‌ای که الان طرح می‌شود درست است. وقتی که اربعین را به تهدید تبدیل کنیم، سوال بعدی این است که می‌توان این مناسبت را به تهدید بزرگی برای جهان اسلام تبدیل کنیم. این هنر را داریم که بیشتر تهدید آفرینی می‌سازیم تا فرصت سازی. باید در این کار، یک روش حکیمانه‌ای پیش ببریم. گاهی در بی‌کفایتی، در مدیریت یک ماجرای جهانی و این جریان اربعین اتفاق می‌افتد، برای همین در جامعه، یک اتاق عملیات فوق العاده تشکیل بشود، برای اینکه دولت‌ها و مرجعیت‌ها، البته مرجعیت‌ها، متأسفانه خیلی نقش آن چنانی ایفا نمی‌کنند. بار این جریان به دوش نهادهای رسمی افتاده است. ولی به هر صورت ما همه از اربعین عقبیم و اگر هم چنان عقب بمانیم، آن مشکلی که شما اشاره داشتید، حل نمی‌شود و باقی می‌ماند. حوزه اربعین، یک حوزه توسط حوزه نمی‌بینید که به زبان جهانی کیفیت‌دار تولید شده باشد، در صورتی که خود این یک منبر است. شما باید با یک ادبیات مناسب، آبرومند، درست و دقیق و سازنده و انسجام آفرین، امام حسین علیه السلام را به زبان‌های مختلف با کیفیت خوب معرفی کنید، خب چه کسی باید معرفی بکند؟ وزارت ارشاد، حوزه علمیه و نهادهای فکری فرهنگی دانشگاهی با ظرفیت‌های تولید ادبیات و تولید زبان‌های زنده



دنیا مراکزی باید درست شود و با طرح وقف خاص برای اربعین، یک نهضتی ایجاد شود تا خیرین فرهنگی بتوانند وارد شوند تا این ظرفیت‌ها شکوفا شود.

**مجله پاسخ:** به همین مناسب وارد تهدیدها می‌شویم. این حرکت عظیم و به تعبیر شما حرکتی که از ما جلو افتاده و ما هرچه بدویم فعلاً به آن نمی‌رسیم، می‌تواند تهدیدهای بزرگی هم ایجاد کند. نیاز است که این تهدیدها را بشناسیم و برای جلوگیری از این تهدیدها چاره‌ای بیندیشیم. راجع به این تهدیدها و راه‌های جلوگیری یا بعضی از این تهدیدهایی که الان هم در سطح امت شیعه یا امت اسلامی وجود دارد، چه کنیم؟ مثلاً یکی از مسائلی که با عنوان شبهه و یا گاهی به‌عنوان آسیب مطرح می‌شود این است که این گروه‌ها وقتی که وارد کشور عراق می‌شوند، چون ساماندهی وجود ندارد، همه چیز مردمی جریان می‌یابد، ائتلاف منابع خیلی اتفاق می‌افتد. مثلاً می‌بینید که در این مسیر انواع خوراکی‌ها و غذاها توزیع می‌شود، اما تذبذب می‌شود. گاهی غذاها را در سطل زباله ریخته‌اند؛ در کشوری که خودش تعداد زیادی فقیر دارد. این تذبذب‌ها و اسراف‌ها و این بی‌برنامه‌گی‌ها هر کسی از هر جایی، گروهی یا فردی یک مسیری را طی می‌کند، یک سلامی می‌دهد و بر می‌گردد، یک هزینه مادی و هزینه انسانی شده است. ولی بهره آن چنانی از این حرکت نصیب افراد نمی‌شود. این ظرفیت، این تهدیدها و این آسیب‌ها را باید با آن چه کار کرد؟ چه راه‌های درست و عاقلانه‌ای می‌توان برای این‌ها اندیشید؟

♦ این مجموعه مهمی را که اشاره کردید، همه این‌ها مهم است و واقعاً آسیب هست و راه‌هایش روشن است. بنده فکر می‌کنم که اگر تهدید را خوب بشناسیم، بهترین راه این است که راه حل ارائه بدهیم و شناخت تهدید و قبول اینکه تهدید است. وقتی که یک جمعیت جهانی چند میلیونی در یک زمانی خیلی محدود و در یک جغرافیای نسبتاً کوچکی قرار است، جمع بشوند با این امکانات مالی و حساسیت‌هایی که در داخل خود عراق است؛ یعنی امکان آسیب‌ها بسیار بالا می‌رود و باید این آسیب‌ها را دسته‌بندی کرد. مجموعه‌ای از آسیب‌های فرهنگی، سیاسی، امنیتی، اقتصادی، بهداشت تغذیه، خیلی زیاد است؛ یعنی آسیب‌شناسی جریان اربعین مثل یک کتاب ۳۰۰ صفحه‌ای است و همه این‌ها یک به یک تبیین می‌خواهد. انواع آسیب‌ها، بحث تغذیه و بهداشت، بحث اقتصادی اربعین، از جهت تمول و حمایت و مدیریت ممکن است شما در سال‌های بعد نیازمند به یک صندوق بین‌المللی اربعین باشد که این صندوق خزینة اصلی مدیریت



اقتصاد اربعین بشود. این طور نباشد که مردم فقیر و مستضعف، شکم من سیر را پر کنند. ادامه این روند اصلاً صلاح نیست. قرار نیست که اربعین چند صد هزار عراقی در این مسیرها در سال مضیقه بکشند، به بچه‌هایشان و به خودشان تا به من و شما موز و سیب و فلافل و شربت و گوشت بدهند. این منطق، قابلیت دوام ندارد. عمداً این را می‌گوییم.

**مجله پاسخ:** در مسئله حج خداوند می‌فرماید: شما که به حج می‌روی، قربانی کن و به فقرا بده. الان عکس این قضیه در اربعین اتفاق می‌افتد!

♦ بنده این را چند بار خصوصی گفته‌ام اما این اولین بار است که علنی می‌گویم که منتشر شود. باید کاری انجام دهیم که درجهٔ مظلومیت و استضعاف این اشخاصی که از ده‌ها نسل قبل، خادم الحسین بودند باید استضعاف این‌ها رفع شود؛ یعنی هر ایرانی، به این‌ها کمک نکند. اینکه میلیون‌ها نفر بروند و ده روز بخورند، که صحیح نمی‌باشد. نکتهٔ دیگر این است که بدون تردید تبدیل شدن اربعین به مانور قدرت مذهب شیعه صلاح نیست. بدون تردید صلاح نیست، شک نکنید. این عرض بنده به این معنی هست که، هر کاری کنید بالاخره اربعین عظمت تشیع را نشان می‌دهد. اما ما که نباید این کار را بکنیم، که این عظمت را نشان بدهد. شاید نتیجه باشد اما هدف ما نباید باشد. بر عکس هدف ما این باشد که این اباعبدالله علیه السلام، مال همهٔ شماست و آمده است تا نجاتتان بدهد. حضرت اباعبدالله علیه السلام یا حضرات معصومین علیهم السلام چه فرقی می‌کنند، این‌ها منجی بشریت‌اند. منجی شیعه نیستند. اما اینکه سیاست‌مدار شیعی در ایران و سیاست‌مدار عراقی و نخست وزیر، در بحث اربعین بگویند کعبه همین جاست، با اربعین عکس و سلفی بگیرند. بخواهند رأی جمع کنند و در واقع اربعین را به نفع یک عنایت مذهبی و سیاسی، عنایت آلوده به سیاست مذهبی، استفاده کنند. یا مثلاً یکی از مسئولین بگوید ما پارسال این قدر کار انجام دادیم، امسال این قدر. این رفتارها، رفتارهای درستی نیست. این قضایا، مناسبت اربعین را تهدید می‌کند. مردم عاشق اهل بیت علیهم السلام و امام حسین علیه السلام هستند. عرضم این است که تبدیل کردن جریان اربعین به عنوان جولان‌گاه مانور اقتدار یک مذهب، خطرناک است. ما باید با اربعین، از مذهب‌گرایی جهان اسلام عبور کنیم. ما دیگر هیچ کس را نداریم، یک





علی بن ابی طالب علیه السلام و یک امام حسین علیه السلام داریم. دیگر ما امام دیگری نداریم که بتوانیم ظرفیتش را برای آزادسازی جهان اسلام و مبارزه و غیره، معرفی کنیم. ما وقتی که یک سخن راجع به سخن امام صادق علیه السلام ... برداشت می‌کنیم، مهم است اما شرایط قعودی و اختناق خاص و شرایط تقیه‌ای در نظر داشته باشیم ولی حضرت علی علیه السلام تقیه نکرد و امام حسین علیه السلام هم تقیه نکرد؛ یعنی عنوان عدم تقیه پیدا کردند. امام حسین علیه السلام منجی بشریت است. نباید ما این مناسبت را به جولان‌گاه اقتدار مذهبی تبدیل کنیم، این را چرا تأکید و تکرار می‌کنم، چون در تلویزیون می‌بینیم که این کار را می‌کنند. یک وقتی در اوایل جریان بحرین که شروع شده بود. تلویزیون‌های ایران، العالم، الکوثر، داخلی‌ها ۳۰ الی ۴۰ تا تلویزیون یک سره می‌گفتند شیعیان بحرین، شیعیان مظلوم، از همان وقت می‌گفتم تو رو خدا بس کنید! بگویید ملت مظلوم بحرین مگر این انقلاب بحرین، انقلاب شیعی است. فکر کنید که دیکتاتوری آنجا هست. فکر کنید محمدرضا پهلوی. حالا امام آمد، محمدرضا هم شیعه بود. شما بگویید این ملت مظلوم بحرین که به آن‌ها دارد ظلم می‌شود چه فرقی می‌کند محمدرضا باشد، رضا شاه باشد، هویدا باشد فرق نمی‌کند. این قدر بحث را مذهبی کردیم، خود ما که واقعاً در آن ماندیم و آسیب‌های جدی با همین رفتارمان بوجود آوردیم.

**مجله پاسخ:** آن‌ها دنبال همین بودند که دو قطبی‌سازی باشد تا بتوانند سرکوب بکنند!  
♦ جریان اربعین، می‌تواند در نزد هر سنی‌ای فرصت جهان اسلام، تلقی شود، البته وقتی که من در رفتارم و در مدیریتم و در شعارهایم رعایت کنم. اربعین باید یک مدیریت تخصصی شعارهای اربعین داشته باشد. نباید یک شعاری بدهیم که فردا یک تظاهرات چند هزار نفری عراقی‌های سنی، در مقابل کنسولگری ما در کربلا یا نجف ایجاد شود. این یک تهدید است. بالاخره کاری کنیم، این اربعین را محل اشعار و پرتو افکنی انسانی و اسلامی کنیم. نکته دوم این است که همین الان جریان اربعین توسط اسرائیل و آمریکا و همه نهاد‌های نظام جهانی سلطه، با دقیق‌ترین ابزار و مهم‌ترین روش‌ها رصد می‌شود و آن‌ها نگرانند که این جریان اربعین به یک بیداری اسلامی منتهی شود؛ یعنی پروژه بیداری اسلامی که در مصر و تونس شکست خورد، این‌ها



نگرانند که این یک چیزی شبیه به روز قدس شود و این خیلی با عظمت است و جنبه جهانی پیدا کند. روز قدس همان وجه جهانی و بین‌المللی و سیاسی خاص است که انسان‌ها، تظاهرات می‌کنند، ولی جریان اربعین می‌تواند محل تلاقی ملت‌های جهان اسلام باشد که ما در بخش ظرفیت‌ها به آن اشاره کردیم. این یعنی دشمن تهدیدانگاری و چالش‌انگاری را مد نظر دارد. به محض اینکه دشمن شما یعنی آمریکا، اسرائیل، عربستان، این سه لایه و غرب، این سه طیف، در تخریب اربعین حتی نیروهای نفوذی توسط روحانیون و معممین و دفاتر برخی از نهادهای با آبرو در حوزه‌ها ممکن است که از همه این‌ها برای طرح نفوذ استفاده کنند. برای اینکه این‌ها از اربعین آسیب‌های اساسی دیدند، این‌ها تلاش کردند که مانع ائتلاف بشوند. این همه گفتند: شیعه ایرانی و عربی؛ ایرانی عجم و عرب؛ شیعه و سنی، حتی غیر مسلمان‌ها، در حالی که این‌ها، در اربعین، کنار هم‌اند. در واقع او دارد همه اسلام هراسی‌اش، شیعه هراسی‌اش، ایران هراسی‌اش و همه این‌ها را دارد، بر باد رفته می‌بیند. در نتیجه او با نگاه دوراندیشانه و آینده‌نگرانه برای اربعین خواب‌ها دیده است. برای اینکه اربعین برای او، یک تهدید است. حالا این خواب ممکن است از یک سری شعائرهای انحرافی شروع بشود تا بلند کردن یک سری پرچم‌ها، هر اقدامی که باعث درگیری بشود عملاً وارد یک بن بست و تهدیدهای جدی شدید. پس این هم یک مسئله‌ای است که ما باید بدانیم که دشمن، برای اینکه این مناسبت را با چالش روبه‌رو کند، دارد طراحی می‌کند که تا با استحاله و ایجاد اختلاف و فتنه یا منحرفش کند و یا جلویش را بگیرد. در این راستا جریان‌هایی از تشیع شکل گرفتند؛ یعنی اصالتاً نطفه این جریان‌ها برای همچنین کاری منعقد شده است، که الان، آن هم به دلایلی، کم بروز و ظهور دارند اما اینکه احتمال فعال شدن‌شان و این که این مناسبت را به نفع تندروی‌های خودشان مصادره کنند، احتمالش خیلی زیاد است به خصوص اینکه مدیریت استراتژیک و ستادی نیست. شرایط فتنه‌خیز عراق احتمال هر حادثه‌ای از این نوع می‌دهد. آمریکایی‌ها این اربعین را با هواپیماهای بدون سرنشین‌شان ذره ذره زیر نظر دارند. آن وقت آمریکایی‌ها و بعثی‌ها و بعضی از جریان‌های شیعه که نام نمی‌برم، افراد زیادی که مثل بمب‌های آماده برای انفجار و مین‌ها و بشکه‌های باروت آماده



برای انفجار و تخریب‌گری هستند. اصلاً نباید خیال‌مان راحت باشد، که جمعیت را بفرستیم و برگردانیم، آن کار لجستیک و مهم و باعظمتی است اما تهدیدها را خوب بشناسید. باید پیش بینی کرد. شما نمی‌توانی با یک مسئله با عنوان تهدید، همان لحظه، برخورد بکنید. آمادگی‌اش را ندارید. شما یک دفعه در برابر یک وضعیت غیر قابل پیش بینی قرار می‌گیرید. آن‌جا فقط باید تسلیم شوید. بنابراین باید یک گزارش سالانه استراتژیک از اربعین تهیه بکنید. که چه بود و به کجا رسید و پیش بینی چیست. نهادهای مدیریتی از الان تا اربعین بعدی باید پیش بینی کنند، که با توجه به وضعیت ایران، عربستان، عراق، آمریکا و با توجه به این جریان‌ها و آن نقاط کور و دارای خلا و التهاب خود شیعیان چه احتمالاتی هست؟ جریان ارتجاع و اسرائیل و جریان غرب، مشترکاً در اینکه اربعین را با مانع روبه‌رو بکنند، وارد شده‌اند. مهم‌ترین سبب ورود این سه طرف، این مثلث نحس ارتجاع و اشغال‌گری و اسکتبار و استثمار مهم‌ترین دلیل مشترکشان و ائتلاف جهانی‌شان، وجود ایران در این ماجراست. آن‌ها می‌دانند اگر ایرانی‌ها نمی‌بودند، اینکه عراقی‌ها، یک چنین جریانی را در سطح جهانی ایجاد کنند، وجود نداشت. زود به فتنه تبدیل می‌شد. اما ایران وارد شده و می‌خواهد این جریان را به یک جریان جهانی و تمدنی تبدیل کند. به یک کارخانه‌ باز تولید تمدن سیاسی دینی تبدیلش کند. او از این اتفاق به شدت نگران است. لذا آن‌ها این فعالیت‌ها را در این حد دارند. به نظر بنده، آن‌ها باید این حرکت‌ها را رصد کنند. ما تصور درستی از نگاه غربی‌ها و واحدهای دشمن به ویژه عربستان و اسرائیل به جریان اربعین نداریم و آن‌ها این را پنهان می‌کنند. شما این همه اصرار برخی جریان‌های شیعه بر قمه زنی را که مورد حمایت جهانی است، تصادفی فرض نکنید. هر تصویری که چهره تشیع را تخریب کند، تولید کنید، جایزه می‌گیرید. هر چیز تخریب، شما یک منبر برو، به خلفاء فحش بده و لعن و سب کن، کلی پول به شما می‌دهند. وقتی که آقای اللهیاری، این کارها را می‌کند. یک گوشه دیگر دنیا، سر شیعه را می‌برند. این هم در خانه خود آنهاست. مثلاً تلویزیون فدک و امام حسین علیه السلام را چرا جلوی چشم را نمی‌گیرند؟ برای اینکه خودشان درست کرده‌اند. او فقط داعش را برای سنی درست نمی‌کند، این‌ها را هم برای شیعه درست می‌کند، حالا اسم نمی‌بریم ولی جریان‌های خاص شیعه را



درست می‌کند و این مسئله نشان می‌دهد که مسئلهٔ تشیع، برایشان اساسی هست و شیعیان تا این لحظه، نتوانستند، یک مناسبت جهانی حسینی واحد با پرچم اباعبدالله علیه السلام درست کنند، مگر این اربعین که بزرگترین آن هست و احتمال خطر دارد. در نتیجه این آسیب‌ها خیلی وسیع هست. آسیب‌های مدیریت غذا و بهداشت یا فرهنگی که تخصص ماست. از نظر فرهنگی، مواجهه‌ای بین طیف‌های وسیع شیعیان می‌شود. اما از اینکه چه چیزی و چه مدل‌هایی رد و بدل می‌شود غافلیم. الان ایرانی‌ها یک ابتکاری به خرج دادند که رادیویی برای اطلاع‌رسانی لجستیکی درست کردند. ولی مناسبت اربعین با این عظمت نیازمند به یک شبکهٔ ماهواره‌ای است که این‌ها را راهنمایی‌های محتوایی و فکری کنند و این هم یک مقوله از مقوله‌های فرهنگی است. از نظر سیاسی هم بالاخره دشمن چون به دنبال تفرقه هست. باید یک نهادی، نیروهای نفوذی را که به دنبال بهره‌بندی‌های سیاسی به نفع جناح‌های خاص هستند، رصد کند. جناح‌های طرفدار آمریکا که در عراق خیلی زیاد هستند. در هر صورت می‌شود این تهدیدها را در مرحلهٔ شناختش کار کرد؛ مطالعه کرد؛ مقاله نوشت؛ واحدهای تحقیقاتی درست کرد؛ سفر و هیئت اعزام کرد؛ مصاحبه کرد، تاریخ شفاهی درست کرد. واقعیت این است که هر تهدیدی راه معالجهٔ خودش را دارد و نیروی انسانی خاص خودش را می‌طلبد. الان باید در آن‌جا مسئلهٔ غذا در اربعین و مدیریت مسکن، مسئلهٔ حضور جامعهٔ زنان و دختران و وجود این جمعیت با این عظمت صلاح هست یا نه؟ جدی طرح بشود. نباید ما فکر کنیم که جمعیت هر چه بیشتر برکتش بیشتر. این را نمی‌دانم که اساسش از کجاست؟ آیا اگر یک جمعیت ده میلیونی ۷ یا ۸ میلیونی در یک جای خیلی کوچکی مثل کربلا را می‌شود همیشه در هر شرایطی کنترل کرد؟ یعنی شما می‌دانید در بحث آسیب‌های فرهنگی شما یک دفعه این حجم آدم به آنجا بفرستید قطعاً این‌ها آمادگی ندارند و آن کشور را نمی‌شناسند و همه گونه رفتار می‌بینند. آیا یک حضور صرفاً کمیت مدار به نفع ماست یا نیست؟ خیلی ساده است، بنده می‌گویم هست و شما می‌گویید نیست. باید مطالعه شود. ممکن است که به این نتیجه برسیم، که در مناسبت اربعین، جمعیت را نگذاریم که از ۵ میلیون، بالاتر برود. بالاخره آنچه که تهدید کننده هست، جمعیت که نیست، کیفیت هم هست؛ یعنی



ممکن است به این نتیجه برسید که ظرفیت عراق از نظرهای مختلف اجازه به همچنین حضوری نمی‌دهد.

**مجله پاسخ:** ممکن است در آینده مشکلاتی ایجاد بشود و خود عراقی‌ها مانع شوند؟  
♦ همین را می‌خواهم عرض بکنم که از نظر امنیتی آیا درست است که چند میلیون وارد عراق بشوند و می‌دانید که عراق اصلاً زیر ساخت امنیتی کنترلی ندارد. همین الان یک کشور واقعاً رها است. هنوز جریان داعش آن جا هست. شما این تظاهرات در کربلا و نجف را ببینید. الان دولت در وضعیت خوبی نیست. این‌ها یکی از کانون‌های مخالفت‌شان ایران است. حالا برگردیم به ایران، ما تا به حال تهدیدها و آسیب‌های ناشی از مناسبت اربعین برای داخل کشور را احصا نکردیم که باید احصا کنیم.

**مجله پاسخ:** الان در حج می‌خواهیم کاروان بفرستیم، جلسات توجیهی دارند، موارد بهداشتی و مذهبی و اجتماعی توضیح داده می‌شود؟

♦ بله، اینجا بدون توجیه، چند میلیون آدم وارد کشوری می‌شوند. این باید به لحاظ ایدئولوژی بررسی شود.

**مجله پاسخ:** جالب هست که نیروهای جوان و علاقه‌مند و زنده و گاهی نخبگان ما بلند می‌شوند، آنجا می‌روند و گاهی شخصیت‌های مهم، که می‌توانند تهدیدهای مهم امنیتی بوجود بیاورند؟

♦ بله، باید این‌ها دیده شود. بحث یک نوع مهاجرت دسته جمعی ایرانیان در موقعیت‌های مختلف، اینکه مجموعه ۱۰ روز تعطیل شود، اداره تعطیل شد. آیا کشور ما ظرفیت یک چنین تعطیل کردنی به این حجم دارد یا نه؟

بالاخره دانشگاه یک گونه و نهادهای دولتی و حوزه و... عملاً شما با این‌ها هم روبرو هستید. ما برکات و عظمت و هیبت و همه چیزش را احصاء کردیم و گفتیم. ولی این طرف باید بگوییم که الان یک تبعات مدیریتی فرهنگی حتی در کشورمان وجود دارد که باید به این‌ها هم پرداخت.

**مجله پاسخ:** از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار مجله قرار دادید مجدداً سپاسگزاری می‌کنم.